



سلامت دوستی و راههای حفظ و ارتقاء آن در نهج البلاغه

فاطمه احمدی^۱؛ سیده فاطمه عقیلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴

چکیده

یکی از مهمترین امور پس از تحقق رابطه دوستی سالم، مسأله حفظ سلامت دوستی و ارتقاء آن می‌باشد. بررسی ابعاد مختلف سلامت دوستی در راستای فراهم آوردن زمینه تحقق زندگی پویا و سالم، در آموزه‌های علوی و به طور خاص در نهج البلاغه مورد اشاره قرار گرفته است. نوشتار حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی به این مهم پرداخته و آن را در سه محور اهمیت سلامت دوستی، آسیب‌های دوستی ناسالم و راههای حفظ و ارتقاء سلامت دوستی در نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده است و در نهایت نشان داده که رعایت حقوق دوست، اعتدال و میانه‌روی در دوستی، پرهیز از حسادت میان دوستان، اعتماد و حمایت و وفاداری از عناصر اصلی حفظ و ارتقاء سلامت دوستی شمرده می‌شوند.

کلیدواژگان: سلامت دوستی، دوستی سالم، دوستی ناسالم، نهج البلاغه

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث و سطح سه تفسیر و علوم قرآن؛ ft.ahmadi۱۲۱@yahoo.com

۲. طلبه سطح سه علوم و معارف حدیث شیعه حوزه حضرت خدیجه علیها السلام؛

fatemehsadat۳۶۰۶@gmail.com



انسان موجودی اجتماعی است و بدون ارتباط با دیگران نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد. بدین جهت مجموعه‌ای از ارتباط‌ها برای انسان مطرح است. یکی از نمادهای ارتباط انسان با دیگران، ارتباط دوستی است. روح جمع‌گرایی انسان، او را به مهرورزی و دوستی می‌کشاند تا بتواند نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین نماید. همچنین بهره‌گیری از یاری و ارشاد دوستان در زندگی، میزان تحمل مشکلات و توفیق دستیابی فرد به اهداف را بیشتر می‌کند و برای او پشتوانه‌ای ارزشمند به شمار می‌آید. بی‌تردید دوستی با کسانی که به بیماری‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی مبتلا هستند، موجب سرایت بیماری آنان گشته و انسان را از هدف اصلی دوستی و دوست‌یابی دور می‌سازد. در نتیجه هیچ منطقی نمی‌تواند دوستی بدون امنیت، عافیت و سلامت را تجویز کند و راه فلاح و رستگاری در گرو دوستی سالم را وانهد. از این‌رو اسلام نمی‌تواند برخلاف عقل و فطرت، اجازه دهد زشتی‌ها و بیماری‌های فرهنگی و اجتماعی فراگیر شود، بلکه درست برعکس، در پی این است تا با مبارزه با این نوع بیماری‌ها، جامعه‌ای سالم بنا نماید.

در خصوص پیشینه محور «دوستی در نهج‌البلاغه» باید گفت که به‌طور مستقیم پایان‌نامه‌ای با عنوان «دوستی و مهرورزی در نهج‌البلاغه» اثر وحیده نادری گرگری، دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۸۸ یافت شد که در آن با تمرکز بر متن نهج‌البلاغه، شرح مختصری از دوستی و محبت ارائه شده و شرایط دوست خوب، انواع دوستی و آداب دوستی و حقوق دوستی بیان گردیده است.

از آنجایی که به‌طور مستقیم به موضوع «سلامت دوستی» پرداخته نشده، لذا در این پژوهش بر آن شدیم که با مراجعه به نهج‌البلاغه، به دوستی و انواع آن، راه‌های حفظ و ارتقاء سلامت دوستی بپردازیم و الگوی روشنی را در این خصوص پیش روی مخاطب قرار دهیم. به گونه‌ای که ضمن بیان اهمیت و ضرورت سلامت دوستی، مخاطب را با نتایج رابطه دوستی سالم آشنا کنیم و با بیان آسیب‌های دوستی ناسالم، عزم فرد را بر اجتناب از سقم در دوستی و گرایش به رابطه دوستی ایمن و سالم و در نهایت شناخت راه‌های حفظ و ارتقاء سلامت دوستی جزم نماییم.

در این پژوهش با رویکرد نظری به مسئله پرداخته شده و می‌خواهیم به این سؤالات پاسخ دهیم که چگونه می‌توانیم رابطه دوستی را در نهایت صحت، امنیت و عافیت حفظ کنیم؟ و چگونه سلامت دوستی را ارتقاء بخشیم؟ و ضرورت و اهمیت رابطه دوستی سالم در اجتماع چیست؟ و رابطه دوستی ناسالم چه آسیب‌هایی برای فرد و جامعه در پی دارد؟

پژوهش حاضر به شیوه کتابخانه‌ای و با روش توصیفی، به ارائه و بررسی مستندات و محتوای آموزه‌های فردی و اجتماعی در نهج‌البلاغه و شروح مختلف آن می‌پردازد. با بررسی و کنکاش در

نهج البلاغه، اهمیت و جایگاه سلامت دوستی از دیدگاه امام (ع) در زندگی اجتماعی، بهبود اوضاع اقتصادی، رشد اندیشه و خویشاوندی مورد بررسی قرار گرفته و همچنین در مواجهه با دوستی ناسالم به آسیب‌هایی چون زیان‌رسانی، گرفتاری، آدم‌فروشی، موهوم‌گرایی و جدایی اشاره شده است. در نهایت نشان داده شده که امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه، راههای حفظ و ارتقاء سلامت دوستی را در رعایت حقوق دوستان، میانه‌روی در دوستی، پرهیز از حسادت میان دوستان، اعتماد و حمایت می‌داند.

مفهوم شناسی

۱. سلامت

سلامت، مصدر است به معنای بی‌عیبی و تندرستی و پاکی و رهایی از عیب و آفت (عمید، ۱۳۸۷: ۲/ ۱۲۲۰). واژه سلامت یا سالم بودن به هر چیزی اطلاق می‌شود که آن چیز به خوبی در مدار صحیح قرار گرفته باشد و کار ویژه خود را به خوبی انجام دهد. لذا جسمی سالم است که مجموعه اعضاء و جوارح آن به خوبی کار کنند و تمامی امور همچون جذب و دفع را بدون مشکل انجام دهند؛ عقلی سالم است که در اندیشیدن مشکلی نداشته باشد؛ روحی سالم است که انسان را در اهداف متعالی انسان به خوبی هدایت کند و انسانی سالم است که همه ابعاد جسمی، روحی و ذهنی آن در مسیر تعالی انسان و نشاط و رفاه او قرار گیرد و به تعبیر دیگر، بتواند رفاه و نشاط او را تأمین کند (قاسمی، ۱۳۹۷: ۳۴).

سلامت در فرهنگ اصطلاحات عبارت است از آمادگی و رفاه جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی که افراد از آن لذت ببرند. سلامت چندبعدی بوده و در یک گستره فرهنگی وسیع تعریف می‌شود. سلامت ممکن است به عنوان کیفیت عملکرد جسمی، روانی و اجتماعی افراد در موقعیت‌های مختلف فردی و اجتماعی، تعریف شود. سلامت، توانایی بقاء یا سازگاری شخص با نقص‌های موجود در اجزای ساختاری، اجتماعی و فردی نظام سلامت فردی و نیز محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند، می‌باشد (ابوالقاسمی، ۱۳۹۱: ۴۸ و ۴۹). بنابراین، سلامتی تنها نبود بیماری نیست، بلکه کیفیتی از زندگانی است که تعریف آن مشکل و اندازه‌گیری واقعی آن تا اندازه‌ای غیرممکن است. سلامت عبارت است از برخورداری آدمی از حد تراز به لحاظ جسم، یا روان، یا مناسبات اجتماعی یا معنویت، یا ایمان، یا ادراک، یا اخلاق و یا جز آنها (احمدی، ۱۴۰۲: ۱۳۱).

۲. دوستی

دوست به معنای یار، همدم و رفیق مهربان؛ و دوستی به معنای یاری، محبت و عشق است (عمید، ۱۳۸۷: ۱/ ۹۷۹). در اصطلاح، روابط صمیمانه و داوطلبانه در بین افرادی که دارای علایق و



منافع مشترک و نیز فرهنگ مشترک باشند، دوستی شمرده می‌شود (مرویان حسینی، ۱۳۹۵: ۸ و ۹). همچنین دوستی، آشنایی توأم با مهر و محبت و ارتباط عاطفی دو تن با یکدیگر است و در یک تعریف ساده، دوستی نوعی پیوند و ارتباط است که بر اثر عشق، علاقه و با زیربنای محبت، بین فرد و دیگران به وجود می‌آید. این علاقه و ارتباط بایستی از روی آگاهی و توجه و همراه با رعایت حقوق دوستان باشد (اکبری، ۱۳۹۰: ۱۵).

در مقابل دوستی و محبت (حب)، عداوت (بغض) است که برای جامعه بسیار خطرناک است. عداوت، همه شیرینی‌های زندگی را در کام انسان تلخ می‌کند، همه نعمت‌های الهی را به نغمت تبدیل می‌نماید و همه پیروزی‌ها را به شکست مبدل می‌سازد. عداوت نه تنها مانع پیشرفت جامعه در زمینه‌های گوناگون است، بلکه در بهره‌برداری از امکانات موجود نیز اخلال می‌نماید و از این رو جامعه‌ای که گرفتار این آفت خطرناک شود، راهی جز انحطاط و سقوط در پیش ندارد. بر این اساس، دینی که خود را بر پایه محبت استوار می‌داند، عداوت را ضد دین معرفی می‌کند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷: ۲۰ و ۲۱).

۳. سلامت دوستی

در اسلام، مفهوم سلامت در آموزه‌های دینی در انحصار سلامت جسم نیست، بلکه قرآن و حدیث، حقیقت قرآن را شفا دانسته و این قانون الهی راهنمای درک حقیقت سلامت است و عبادت، راز آفرینش انسان و ضامن سلامت همه‌جانبه فرد و اجتماع است (قاسمی، ۱۳۹۷: ۲). بدین جهت، دوستی صحیح و به دور از عیب و آفت، بر اساس معیارهای دینی است و «سلامت دوستی»، محبت، علاقه، ارتباط روحی، حسن معاشرت و گفتگو میان دو نفر و یا بین افراد جامعه با ملاک صحیح و انگیزه‌های الهی است، به طوری که دوستان بر اساس آن بتوانند نیازهای فردی و اجتماعی و احتیاجات دنیوی و اخروی خود را تأمین کنند (بهرامی، ۱۳۸۴: ۲۱).

اهمیت سلامت دوستی در نهج البلاغه

در آموزه‌های اسلامی در خصوص مسئله دوستی و انتخاب دوست، توصیه‌های بسیاری شده است. دوستی و ارتباط با دیگران اگر به صورت صحیح انجام گیرد، هم از نظر عقلی و هم از نظر دستورات دینی امری پسندیده است (اکبری، ۱۳۹۰: ۱۵)؛ چنانکه امیرالمومنین علی (ع) در نکوهش نداشتن و از دست دادن دوست می‌فرماید: «عجز الناس من عجز عن اكتساب الاخوان و اعجز منه من ضيع من ظفر به منهم؛ ناتوان‌ترین مردم کسی است که از دوست‌یابی ناتوان باشد و ناتوان‌تر از او کسی است که از دست بدهد دوستی از یاران را که به دست آورده (زیرا دوست یافتن

آسان‌تر است از نگاه داشتن او)» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱). همچنین حضرت ﷺ به فرزندشان امام حسن ﷺ توصیه می‌نماید: «سل عن الرفیق قبل الطریق؛ پیش از راه از همراه بپرس» (همان: نامه ۳۱، فراز ۶۱).

باید توجه داشت که مسلماً نکوهش نداشتن دوست یا از دست دادن او زمانی مطرح می‌شود که دوستی، سالم و عاری از سقم باشد و هیچ‌گونه آسیبی در رابطه دوستی وجود نداشته باشد. از این‌رو در ادامه به برخی موارد مهم در سلامت دوستی در کلام امیرالمومنین علی ﷺ اشاره می‌شود:

۱. زیست اجتماعی

از دیدگاه آموزه‌های دینی و نیز علوم بشری، زندگی اجتماعی برای انسان و رشد و تکامل جسمی و روحی او ضروری است. زندگی بدون دیگران ممکن نیست و انسان نمی‌تواند تمام نیازمندی‌های خود را به تنهایی فراهم کند (دشتی، ۱۳۹۰: ۵۲). حضرت علی ﷺ نیز در زیان بی‌کسی می‌فرماید: «فقد الاحبه غربه؛ از دست دادن دوست غربت است (زیرا دورماندگی از وطن است)» (نهج البلاغه، حکمت ۶۲).

۲. بهبود اقتصادی

در برخی موارد، استفاده از توانایی و تجارب دوستان و نقش ایشان در بهبود وضع اقتصادی افراد قابل درک است (رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۹). امیرالمومنین ﷺ در این‌باره می‌فرماید: «شارکوا الذی قد اقبل علیه الرزق فانه اخلق للغنی و اجدر باقبال الحظ علیه؛ (در خرید و فروش) با کسی که فراخ‌روزی است شرکت کنید، زیرا شرکت با او توانگری را سزاوارتر و به رو آوردن به بهره‌شایسته‌تر است (زیرا شخص تنگ‌روزی بر اثر شراکت با فراخ‌روزی بهره می‌برد)» (همان، حکمت ۲۲۲).

۳. تعقل و تکامل

دوستی با انسان‌های صالح و شایسته این امکان را فراهم می‌آورد تا از افکار و اندیشه‌ها و تجربیات آنها استفاده کنیم و از رهاورد تدبیر و تفکرات آنان بهرمند شویم (دشتی، ۱۳۹۰: ۵۹). حضرت ﷺ در این خصوص می‌فرماید: «و التودد نصف العقل؛ و دوستی نمودن (با مردم) نیمی از خرد است (و نصف دیگر سایر صفات یا دور ماندن از شر و بدی ایشان است)» (همان، حکمت ۱۳۵، فراز ۲).

۴. خویشاوندی معنوی

امیرالمومنین ﷺ در پند و اندرز در خصوص دوستی می‌فرماید: «و المودّه قرابه مستفاده؛ و دوستی (با مردم) خویشاوندی است که بهره‌برده شده است» (همان: حکمت ۲۰۲، فراز ۱۳).



همچنین ایشان در حکمتی دیگر می‌فرماید: «موده الالباء قرا به بین الالباء و القرا به أحوج الی الموده من الموده الی القرا به؛ (اثر) دوستی پدران بین پسران (مانند) خویشاوندی است (چون پسران از دوستی و دشمنی که بین پدرانشان بوده ارث می‌برند و اصل در یاری نمودن به یکدیگر دوستی است و خویشاوندی از اسباب آن است) و (از این رو) خویشاوندی به دوستی نیازمندتر است از دوستی به خویشاوندی» (همان: حکمت ۳۰۰). ابن ابی الحدید در اینجا می‌نویسد: از کسی پرسیدند: از برادر و دوست کدام را بیشتر دوست داری؟ گفت: برادرم را اگر دوست باشد (فیض-الاسلام، ۱۳۸۷: ۱۱۸۱).

آسیب‌های دوستی ناسالم در نهج البلاغه

در کنار هر رابطه انسانی، آفات و آسیب‌هایی نیز وجود دارد که خطر و تهدیدی برای آن محسوب می‌شود. این آسیب‌ها گاهی رابطه دوستی را کمرنگ می‌کنند و گاهی مسیر و هدف آن را کاملاً تغییر می‌دهند (فلاح، ۱۴۰۰: ۲۰۱). چنانکه امیرالمومنین علیه السلام ضمن خبر دادن از فتنه بنی‌امیه فرمود: «و تواخی الناس علی الفجور؛ و مردم بر اثر معاصی با یکدیگر برادر شده‌اند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۷، فراز ۱۶). مردم در ارتکاب معاصی و به جا آوردن فسق و فجور و پیروی از خواهش‌های نفسانی با یکدیگر همبستگی و دوستی دارند (رحیمی، ۱۳۸۷: ۲۲). زمانی که دوستی سلامت خود را از دست دهد و به سقم مبتلا گردد، آسیب‌هایی را در پی خواهد داشت که در ذیل به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

۱. زیان‌رسانی

حضرت علیه السلام در اندرز به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «یا بنی ایاک و مصادقه الاحق فانه یرید أن ینفعک فیضک؛ ای پسرک من از دوستی با احمق بهره‌یز که او می‌خواهد به تو سود رساند، زیان می‌رساند (چون احمق موارد سود و زیان را تشخیص نمی‌دهد)» (نهج البلاغه: حکمت ۳۷، فراز ۲). احمق به معنای کم‌خرد و ساده لوح (عمید، ۱۳۸۷: ۹۲/۱) به کسی گفته می‌شود که خیر و شر را نمی‌شناسد، و نفع و ضرر را تشخیص نمی‌دهد. چنین فردی اراده می‌کند به شما نفع برساند، ولی به شما ضرر می‌زند، چون به درستی تشخیص خوب و بد را نمی‌دهد، از این رو باید از دوستی با احمق پرهیز کرد (منتظری، ۱۳۹۵: ۱۴۹/۱۵). انسان احمق با راستی و اخلاص خیرخواهی می‌کند، بی آنکه عقل و دانشی داشته باشد (مغنیه، ۱۳۸۷: ۷۱/۶).

۱. دوستی دو دوست را «مصادقه» می‌گویند.

۲. بخل‌ورزی

یکی از آسیب‌های دوستی، دوستی با فرد بخیل است؛ مثلاً اگر دوستی مشکل مادی داشته باشد، دوستان دیگر باید به او کمک کنند و او را از گرفتاری نجات دهند و اگر چنین نکنند و کمک خود را از او دریغ دارند، این دوستی هیچ‌گونه کاربردی ندارد و دوستی بی‌دلیل است. حضرت علیه السلام نیز در اندرز به فرزندشان امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «وایاک و مصادقه البخیل فانه یقعد عنک أحوج ما تكون الیه؛ و بهره‌یز از دوستی با بخیل که او (بر اثر بخل و زفتی که دارد) از تو باز می‌دارد آنچه را که بسیار به آن نیازمند باشی» (نهج/البلاغه: حکمت ۳۷، فراز ۳). بخیل کسی است که از مصرف ثروت در موارد مقتضی جلوگیری می‌کند؛ مثلاً در مخارج روزانه خود و زن و فرزندش به نحوی عمل می‌کند که احتیاجات مشروعشان برآورده نشود. اصولاً دوستی برای این است که دوست هنگام شداید معنوی و مادی به کمک دوست خود پرداخته و او را یاری دهد. چنین آدمی هنگام احتیاج و نیاز از برآوردن حاجت تو جلوگیری کرده و مهمترین چیزی را که به آن احتیاج داری از تو دریغ می‌کند (منتظری، ۱۳۹۵: ۱۵/۱۵۰). همچنین فرد بخیل، نسبت به حقیقت و وفاداری بخیل است. از دوست خود بهره می‌گیرد، ولی جز ناآگاهی و یأس بر دوستش نمی‌افزاید (مغنیه، ۱۳۸۷: ۶/۷۲). در روایات نیز به کرات از مشورت با بخیل نیز نهی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۲/۲۶۰).

۳. آدم‌فروشی

امیرالمؤمنین علیه السلام در اندرز به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «وایاک و مصادقه الفاجر فانه یبیک بالتفافه؛ و بهره‌یز از دوستی با بدکار که او تو را به اندک چیزی می‌فروشد (چون کسی که سعادت خود را بر اثر چیز کمی از دست بدهد، البته تو را به بهای کمتری خواهد فروخت)» (نهج/البلاغه: حکمت ۳۷، فراز ۴).

فاجر به معنای گناهکار، تباهکار، زناکار و نابکار می‌باشد (عمید، ۱۳۸۷: ۲/۱۵۰۴) و به آدم بدکار و بی‌دین می‌گویند (منتظری، ۱۳۹۵: ۱۵/۱۵۰). این‌گونه افراد پیوسته به دنبال هوا و هوس خویش‌اند، نه وجدان‌بیداری دارند و نه شخصیت و شرف و نه دین و ایمان درستی؛ به همین دلیل هر زمان هوا و هوس‌شان اقتضا کند به دنبال آن می‌روند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۲/۲۶۱). از این‌رو جای تعجب نیست که دوست خود را به کم‌ترین بهایی بفروشد (مغنیه، ۱۳۸۷: ۶/۷۲).



۴. موهوم‌گرایی

حضرت علیه السلام در اندرز به فرزندشان امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «وایاک و مصادقه الکذاب فانه کالسراب یقرب علیک البعید، و یبعد علیک القریب؛ و بپرهیز از دوستی با کسی که بسیار دروغ می‌گوید که او مانند سراب است که دور را برای تو نزدیک و نزدیک را دور می‌گرداند (برای انجام دادن اغراض نادرست خود کار سخت را آسان و آسان را سخت می‌نماید)» (نهج/البلاغه: حکمت ۳۷، فراز ۵). دروغ از رذائل اخلاقی به معنای سخن ناروا و گفتاری است که حقیقت نداشته باشد و دروغ-پرداز کسی است که مطالب بی‌حقیقت را با آب و تاب بیان می‌کند (عمید، ۱۳۸۷: ۱/ ۹۳۹). دروغ از گناهان کبیره است که در قرآن و حدیث از آن نهی شده است (فلاح، ۱۴۰۰: ۲۰۲)، حتی به شوخی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۴: ۱۰/ ۶۶ ح ۱۷۵۳۳)؛ چرا که هیچ بنده‌ای طعم ایمان را نچشد، مگر آنگاه که دروغ، شوخی یا جدی آن را ترک گوید (همان: ۶۶ ح ۱۷۵۳۲). شخص دروغ‌پرداز سراسر ریا، دورویی، فریب و اغفال است و ممکن را ناممکن و ناممکن را ممکن جلوه می‌دهد (مغنیه، ۱۳۸۷: ۶/ ۷۲). در احادیث و روایات نیز به کرات از مشورت با کذاب نهی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۲/ ۲۶۲).

۵. کدورت و جدایی

برای استمرار دوستی باید از رفتار و گفتاری که مایه رنجش دوست می‌شود، به شدت پرهیز کرد (اکبری، ۱۳۹۰: ۸۱). خشمگین کردن دوستان و شرم‌نده نمودن آنها، از جمله آسیب‌هایی است که خطر و تهدیدی در رابطه دوستی محسوب شده و برای جدایی رابطه دوستانه کافی می‌باشد. حضرت علیه السلام درباره از دست دادن دوست می‌فرماید: «إذا احتشم المؤمن أخواه فقد فارقته؛ هرگاه مؤمن برادر (دوست) خود را به خشم آورد (یا شرم‌نده گرداند) پس با او جدایی نموده است (خشم آوردن یا شرم‌نده ساختن سبب جدایی است)» (نهج/البلاغه: حکمت ۴۷۲). بنابراین خشمگین ساختن دوستان، شرم‌نده نمودن آنها و برتری‌جویی و تکبر در برابر آنها، برای جدا شدن دوستان از انسان کافی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۵/ ۷۳۴). همچنین سخن‌چینی از عوامل پراکندگی و جدایی دوستان و نابود کننده رشته‌های مودت است. دوستان واقعی تهمت‌ها را از یکدیگر دور می‌سازند، گرچه از اصل و منشأ آن بی‌خبر باشند (مغنیه، ۱۳۸۷: ۶/ ۳۲۵) و چنانچه شنیدن گفتار این گروه ذهنیتی منفی در آنها پدید آورد، مطلب را به نحو مناسب با یکدیگر در میان می‌گذارند تا زمینه هرگونه کدورت و جدایی از بین برود (اکبری، ۱۳۹۰: ۸۱ و ۸۲). حضرت علیه السلام در زیان سخن‌چینی می‌فرماید: «و من أطاع الواشی



ضیع الصدیق؛ و کسی که به گفتار سخن‌چین (دو به هم زن) گوش دهد، دوست خویش را از دست می‌دهد» (نهج البلاغه: حکمت ۲۳۱).

منظور از «واشی» افراد سخن‌چین است که برای بر هم زدن رابطه دوستان، خواه به منظور حسادت یا به هر دلیل دیگر، نقطه ضعف‌هایی را از این دوست به آن دوست منتقل می‌کنند و بالعکس و در نتیجه آن دو را به یکدیگر بدبین و از هم جدا می‌سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۸۱۶/۱۳). دوستی اقتضا می‌کند که به گفتار سخن‌چینان بی‌اعتنا باشیم تا بدین وسیله هم آنها زشتی کار خود را دریابند و هم دوست خویش را از دست ندهیم (اکبری، ۱۳۹۰: ۸۲).

راههای حفظ و ارتقاء سلامت دوستی در نهج البلاغه

حفظ و ارتقاء دوستی در شرایطی معنا می‌یابد که این رابطه در کمال صحت، امنیت، عافیت، صلح و آرامش و به طور کلی در سلامت باشد. در نتیجه در پی سلامت دوستی است که این رابطه ارزشمند گشته و شایسته ارتقاء می‌باشد. در حالی که رابطه دوستی ناسالم ارزش حفظ کردن ندارد؛ چرا که در آن فلاح و رستگاری نیست. ابتدا باید تلاش نماییم تا رابطه دوستی، عاری از ناامنی، بیماری و هرگونه ناخوشی باشد و به سوی امنیت، صحت و سلامت سوق داده شود و سپس به دنبال کاربردی سازی راههای حفظ و ارتقاء این سلامت به دست آمده باشیم. اهم این راهها در کلام نهج البلاغه عبارتند از:

۱. رعایت حقوق یکدیگر

دوستی یک نوع عقد اخوت و برادری است و شرط بقاء و پایداری دوستی، عمل به وظایف خود در مقابل دوستان می‌باشد (بهرامی، ۱۳۸۴: ۱۲۹). نباید به بهانه صمیمیت از رابطه دوستی سوءاستفاده کرد و حقوق مادی و معنوی دوستان خود را زیر پا گذاشت (اکبری، ۱۳۹۰: ۵۷)؛ چنانکه حضرت ﷺ در توصیه‌های خود به فرزندش امام حسن ﷺ می‌فرماید: «و لاتضعین حق اخیک اتکالا علی ما بینک و بینہ فانه لیس لک بأخ من أضع حقہ؛ و البته حق برادر را تباه مگردان به اعتماد و بستگی به دوستی که بین تو و اوست که برادرت نیست کسی که حق او را تباه سازی» (نهج البلاغه: نامه ۳۱، فراز ۵۶).

همیشه برادران از یکدیگر انتظار دارند که به حقوقشان احترام گذاشته شود و اگر خلاف آن را ببینند پایه‌های اخوتشان متزلزل می‌گردد. ولی مع‌الاسف افرادی هستند که برخلاف این گمان می‌کنند اگر حق برادر و دوستان و نزدیکان را نادیده بگیرند، مهم نیست و قابل گذشت است. در حالی که این‌گونه بی‌مهری‌ها اگر فوراً اثر نگذارد، تدریجاً همچون موربانه پایه‌های اخوت را



می خورد و سست می کند. این سخن به آن می ماند که شخصی طلبکاران زیادی دارد و تمام سعی او بر این است که دیگران را راضی نگه دارد و از مطالبات دوستانش غافل می شود و معتقد است بی اعتنائی به حق آنان مانعی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۹/۶۵۸). در حالی که دوستی از حرمتی برخوردار است و دوست حقوقی دارد که نباید آنها را نادیده گرفت و اگر چنین کنیم، حرمت دوستی را زیر پا گذاشته ایم (مغنیه، ۱۳۸۷: ۵/۲۵۸).

۲. اعتدال و میانه روی

انسان به گونه ای آفریده شده که جز بر اساس اعتدال و میانه روی نمی تواند به درستی مسیر زندگی خود را پیماید و به سوی کمال سیر نماید و هرگونه افراط و تفریط، اعتدال آدمی را به هم می زند و سلامت او را می گیرد و راه تباهی را بر او می گشاید (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴: ۵۲). دوستی نیز اگر از حد منطقی بگذرد، خطرناک است و باعث می شود که انسان عیبها را نبیند (اکبری، ۱۳۹۰: ۴۵). از این رو امیرالمؤمنین (ع) در باب دوستی و دشمنی می فرماید: «احب حبیبک هوناً ما عسی ان یکون بغیضک یوماً ما و ابغض بغیضک هوناً ما عسی ان یکون حبیبک یوماً ما؛ دوست خود را دوست دار به اندازه ای که تجاوز در آن نباشد (او را بر همه اسرار آگاه مساز)، شاید روزی از روزها دشمنت گردد (و پشیمان شوی) و دشمنت را دشمن دار از روی میانه روی (پرده دری مکن)، شاید روزی از روزها دوستت گردد (و شرمنده و افسرده شوی)» (نهج البلاغه، حکمت ۲۶۰).

از این سخن، دستور به اعتدال در دوستی و دشمنی نتیجه گرفته می شود؛ چراکه در افراط و تفریط، مفسده و زیان است. مفسده زیاده روی در محبت این است که شخص، دوست خود را بر اسرار و احوال خویش آگاه می سازد. پس اگر بعدها دوستی شان به دشمنی مبدل شود، این دوستی، به دلیل آگاهی بر اسرار، بر نابودی شخص از دشمنان دیگر توانا تر است. همچنین مفسده زیاده روی در دشمنی، ابقا نکردن بر دشمن است که خود باعث دوام دشمنی و عداوت می باشد (رحیمی، ۱۳۸۷: ۵۳). بدین سان در معاشرت باید صمیم بود، ولی حد آن را باید نگه داشت و در همه حال، اصل اعتدال را نباید از دست داد (قائمی، ۱۳۶۴: ۱۷۵).

۳. پرهیز از حسادت

حسد به معنای کینه، بدخواهی، حسرت و طمع و حسود به معنای بدخواه و رشکبرنده است (نفیسی، بی تا: ۲/۱۲۴۳). در واقع آرزوی زوال نعمت و سعادت دیگران است که گاه توأم با سعی در از بین بردن نعمت دیگران می باشد (قرشی، ۱۳۷۷: ۱/۲۷۱). حضرت (ع) در خصوص رشک بردن می فرماید: «حسد الصدیق من سقم الموده؛ رشک بردن دوست از بیماری دوستی است» (از



جهت آن است که در دوستی راست نیست، زیرا دوست حقیقی کسی است که بخواهد برای دوستش آنچه برای خود می‌خواهد و این صفت با رشک بردن منافات دارد (نهج/البلاغه: حکمت ۲۰۹). دوستی خالص مستلزم آن است که انسان آنچه برای خود می‌خواهد، برای دوستش بخواهد و آنچه برای خود نمی‌پسندد، برای دوستش نپسندد. اما حسد با این حالت منافات دارد؛ چون لازمه حسد آن است که خیر و نیکی از محسود زوال پذیرد، پس دوستی حاسد در این صورت ناقص و ناسالم است و مقصود از سقم‌ها نیز همین است (نوابی یحیی‌زاده و همکاران، ۱۳۷۵: ۵/۵۹۹).

۴. اعتماد

نباید در راست پنداشتن شایعه‌های ستایش‌گرانه یا سرزنش‌آمیز شتاب کرد؛ چراکه گاهی هدف از ستایش یا سرزنش، نیرنگ و آسیب رساندن به دیگری است. بی‌اعتنایی به شایعه به خودی خود نیکو است؛ چه انتشار آن شایعه درباره مؤمنان باشد یا درباره کسانی که آنها را نمی‌شناسیم و درباره‌شان چیزی نمی‌دانیم. امام علیه السلام در نهج/البلاغه از کسانی یاد می‌کند که از دین و رستگاری ایشان مطمئن است، پس شایسته است که به ایشان اعتماد کنیم و با توجه به شناخت خود از ایشان، جز با اطمینان کامل پیمان‌شکنی نکنیم (مغنیه، ۱۳۸۷: ۳/۱۶۵ و ۱۶۶). ایشان می‌فرماید: «ایها الناس من عرف من اخیه وثیقه دین و سداد طریق، فلا یسمعن فیه اقوال الرجال؛ کسی که از برادر دینی‌اش، دین‌داری و درستی را بشناسد، پس دیگر به سخنان این و آن درباره او گوش فرا ندهد» (نهج/البلاغه: خطبه ۱۴۱، فراز ۱).

حضرت علیه السلام در ادامه این مسأله را شرح داده و می‌فرماید: «آگاه باشید (اثر زبان کلام از زبان تیر سخت‌تر و بیشتر است، زیرا) گاهی تیرانداز تیر می‌اندازد و تیرها به خطا می‌رود، و (لیکن) کلام بی‌اثر نمی‌ماند (اگرچه دروغ باشد) و باطل و نادرست آن (اگرچه) از بین می‌رود، و (لیکن) گناه آن از برای گوینده باقی و برقرار است، زیرا) خداوند (گفتار را) شنوا و گواه است. آگاه باشید میان حق و باطل (فاصله‌ای) نیست مگر (به قدر) چهار انگشت». معنی این فرمایش را از امام علیه السلام پرسیدند، حضرت علیه السلام در پاسخ انگشت‌های خود را به هم چسبانده بین گوش و چشمش نهاد پس فرمود: «باطل و نادرست آن است که بگویی شنیدم و حق و درست آن است که بگویی دیدم» (بنابراین مومن نباید در عیب هم‌کیشان به گفتار شخص فاسق و مردم بدگو اگرچه راست بگویند، اعتماد نموده به مجرد شنیدن بیش از دیدن زبان به افشای آن گشاید) (فیض‌الاسلام، ۱۳۸۷: ۴۱۱)؛ یعنی شنیده‌ها چون احتمال بطلان دارد، به محض شنیدن حکم بر راستی آنها



کردن باطل است و اما آنچه را که به چشم دیده باشی، پس آن حق و صدق است و تشکیکی نخواهد داشت (نواب لاهیجی، بی تا: ۱/ ۶۳۲).

۵. حمایت و وفاداری

شک نیست که انسان در زندگی خود نیازمند حمایت دوستانی است که در مشکلات به او کمک کنند و در زمان راحتی مونس او باشند، زیرا روح اجتماعی انسان از یکسو و نیازهای گسترده او که به تنهایی قادر به تأمین آنها نیست از سوی دیگر، ایجاب می کند که یارانی برای خود انتخاب نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۱۱/۱۳). حضرت ﷺ در خصوص شرایط دوستی می فرماید: «لایکون الصدیق صدیقا حتی یحفظ أخاه فی ثلاث: فی نکبته و غیبه و وفاته؛ دوست (در حقیقت) دوست نیست، مگر آنکه رعایت نماید برادر (دوست) خود را در سه وقت: در رنج و گرفتاری او (به جان و مال همراهی کند) و در نبودن او (از گفتن و شنیدن سخنان ناروا حفظش نماید) و در وفات و بدرود زندگی او (به دعا و استغفار یادش کند)» (نهج البلاغه: حکمت ۱۲۹). شرط اساسی در دوستی، حمایت و وفاداری است و دوستان حقیقی در دردهای یکدیگر شریک بوده، همدیگر را دلدار می دهند و در زمان لازم از دوستان حمایت می کنند و در زندگی به یاد هم بوده و پس از مرگ نیز به نیابت از یکدیگر کارهای خیر انجام می دهند.

نتیجه گیری

از جمله روابط ضروری در زندگی اجتماعی هر فرد، رابطه دوستی است که در صورتی که این رابطه به سقم و ناامنی مبتلا گردد، باعث زیان رسانی، بخل ورزی، آدم فروشی، موهوم گرایی و کدورت و جدایی می گردد. اساس سلامت در رابطه دوستی، سلامت اوصاف و ویژگی های فردی هر یک از طرفین می باشد. به این معنا که اوصاف و ویژگی های هر فرد موجب جذب یا دفع فرد مقابل می شود. بنابراین یکی از اصلی ترین مؤلفه های سلامت دوستی را باید در سلامت اوصاف و ویژگی های فردی طرفین ببابیم.

پس از تحقق رابطه دوستی سالم، حفظ و ارتقاء آن، از اهمیت ویژه ای برخوردار است که با توجه به راه های حفظ و ارتقاء دوستی در نهج البلاغه می توان گفت مؤلفه هایی چون رعایت حقوق دوستان، اعتدال و میانه روی در دوستی، پرهیز از حسادت در میان دوستان، اعتماد در دوستی و حمایت و وفاداری از دوست، در تحقق دوستی سالم و حفظ و ارتقاء آن مؤثر است.

فهرست منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام.
۲. ابوالقاسمی، محمدجواد، «مفهوم‌شناسی سلامت معنوی و گستره آن در نگرش دینی»، اخلاق پزشکی، ش ۲۰، ۱۳۹۱.
۳. احمدی، فاطمه و همکاران، «برآیند یاد مرگ و معاد بر سلامت معنوی در ساحت کنش، در صحیفه سجادیه»، فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی، دوره ۷، ش ۱، ۱۴۰۲.
۴. اکبری، محمود، راه و رسم دوستی، قم: انتشارات فتیان، ۱۳۹۰.
۵. بهرامی، غلامرضا، آیین دوستی، قم: نشر دلیل ما، ۱۳۸۴.
۶. دشتی، محمد، موضوعات مسابقاتی نهج البلاغه، قم: انتشارات امیرالمومنین (ع)، ۱۳۹۰.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، سبک زندگی در نهج البلاغه (سیره شناسی): اعتدال و میانه‌روی، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۹۴.
۸. رحیمی، مرتضی، «نقش و آثار تربیتی دوستی در نهج البلاغه» فصلنامه کوثر، ش ۲۷ و ۲۸، ۱۳۸۷.
۹. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۷.
۱۰. فلاح، علی و همکاران، «مؤلفه‌ها و آسیب‌های مهارت گفتگو بر مبنای حکمت‌های نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، س ۲۰، ش ۷۰، ۱۴۰۰.
۱۱. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: انتشارات فقیه، ۱۳۸۷.
۱۲. قاسمی، سمانه، «سلامت معنوی از منظر نهج البلاغه» (با تکیه بر ترجمه و تفسیر علامه محمدتقی جعفری و آیت الله العظمی مکارم شیرازی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، سال ۱۳۹۷.
۱۳. قائمی، علی، اخلاق و معاشرت در اسلام، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۶۴.
۱۴. قرشی، علی اکبر، مفردات نهج البلاغه. تهران: نشر قبله، ۱۳۷۷.
۱۵. محمدی ری‌شهری، محمد، دوستی در قرآن و حدیث، قم: نشر دار الحدیث، ۱۳۸۷.
۱۶. -----، میزان الحکمه با ترجمه فارسی، قم: نشر دارالحدیث، ج ۱۰، ۱۳۹۴.
۱۷. مرویان حسینی، محمود، مهارت‌ها و آداب دوستی (فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی)، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۵.
۱۸. مغنیه، محمدجواد، در سایه سار نهج البلاغه (ترجمه فی ظلال نهج البلاغه)، محمدجواد معموری و همکاران، قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۳۸۷.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۷.
۲۰. منتظری، حسینعلی. درس‌هایی از نهج البلاغه، تهران: نشر سرایی، ج ۱۵، ۱۳۹۵.





۲۱. نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران: انتشارات خیام، بی تا.
۲۲. نواب لاهیجی، محمدباقر، شرح نهج البلاغه، تهران: اخوان کتابچی، بی تا.
۲۳. نوایی یحیی زاده، علی اصغر؛ عارف، محمدصادق؛ محمدی مقدم، قربانعلی؛ روحانی، حبیب الله، شرح نهج البلاغه ابن میثم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵.